



تیتراهای امروز

تیم ملی فوتبال ایران برای سیزدهمین بار  
قهرمان آسیا شد

## ایران قهرمان مقتدر



کاهش حدود ۱۰ هزار تومانی قیمت دلار  
در یک ماه گذشته

## بازگشت دلار به ۶۰

کاهش ۴۶ هزار تومانی هر گرم طلا در بازار

خبر خوش سخنگوی وزارت آموزش و پرورش  
در آستانه روز معلم در گفت‌وگو با «وطن امروز»:  
فرهنگیان بزودی صاحب‌خانه می‌شوند

## ساخت مسکن برای معلمان

بزودی کلنگ ساخت ۵۰ تا ۸۰ هزار واحد  
مسکونی برای معلمان با همراهی  
وزارت راه و شهرسازی زمین می‌خورد

دیدگاه

### نقش و جایگاه مقاومت عراق در نبرد توفان الاقصی

**شهاب خادم:** «وحشت شما تمامی ندارد، منتظر حملات بیشتر باشید». این پیامی است که مقاومت اسلامی عراق دیروز شنبه با انتشار پوستری، به صهیونیست‌ها داد و بر ادامه حملات پنهادی و موشکی به نقاط مختلف فلسطین اشغالی تأکید کرد. طبق آخرین آمار که هفته گذشته منتشر شد، مقاومت اسلامی عراق ۲۴۳ عملیات پنهادی و موشکی علیه مواضع آمریکا و رژیم اشغالگر صهیونیستی انجام داده است؛ از این میان ۹۰ مورد در عراق، ۶۵ مورد در سوریه و ۸۸ حمله نیز علیه مواضع رژیم صهیونیستی انجام شده است. مقاومت اسلامی عراق که با حضور چند گروه مقاومت این کشور از ابتدای جنگ غزه تشکیل شده، اثبات کرده یک بازوی اصلی جبهه مقاومت در چارچوب راهبرد «وحدت میادین» به شمار می‌رود و بار سنگینی را بر عهده گرفته است اما فضای خاص سیاسی عراق، فشار گروه‌های سیاسی و همچنین فشار فرآیندها آمریکا به دولت بغداد، نتوانسته مقاومت عراق را از انجام وظیفه خویش بازدارد. در آخرین مورد، بمباران دیروز مقاومت اسلامی عراق اعلام کرد در حمایت از مردم فلسطین یک هدف را در حیفا با پهپاد هدف قرار داده است. دامنه حملات از جولان در شمال تا ایلات در جنوبی‌ترین بخش فلسطین اشغالی را در بر می‌گیرد؛ حیفا، ایلات، جولان و فرودگاه بن‌گورین و حتی اهدافی در سواحل فلسطین اشغالی تاکنون هدف حملات قرار گرفته است؛ هر چند عمده حملات با استفاده از پهپاد رخ می‌دهد اما در مواردی از موشک‌های بالستیک و کروز نیز استفاده شده است، نکته قابل توجه در نقش آفرینی مقاومت عراق، حضور نظامی آمریکا در خاک این کشور است؛ آمریکایی که اصلی‌ترین حامی جنایات صهیونیست‌ها به شمار می‌رود و مقاومت عراق خود را به شکل مستقیم در مقابل این کشور می‌بیند و بارها اعلام کرده است حملات خود را در پاسخ به این حمایت‌ها افزایش داده است. از سوی دیگر برخی ناظران درباره شدت و نوع این حملات انتقاد دارند اما باید گفت هدف اصلی این حملات افزایش تلفات رژیم صهیونیستی یا آمریکا نیست؛ یکی از اصلی‌ترین اهداف این عملیات‌ها، برهم زدن تعادل ادراکی آمریکا و افزایش فشارها بر نیروهای پشتیبان اسرائیل در منطقه است. مقاومت عراق با انجام این دست حملات به غربی‌ها هشدار می‌دهد در صورت گسترش میدان نبرد و تشدید درگیری‌ها، محور مقاومت تحت سیستم فرماندهی یکپارچه عمل خواهد کرد و در دفاع از سایر اعضای محور مقاومت دست بسته نخواهد بود. بررسی حملات علیه اشغالگران آمریکایی در عراق و سوریه نشان می‌دهد این حملات متناسب با شدت و نوع درگیری‌ها در منطقه، به صورت گام‌به‌گام و تصاعدی افزایش خواهد یافت.

ادامه در صفحه ۶

## پرونده «وطن امروز» در باره تأثیر اعتراضات ضد صهیونیستی در آمریکا بر احیای قضیه فلسطین

گفت‌وگوی «وطن امروز»  
با محمد هادی همایون  
و سید مهدی ناظمی

صفحات ۵۲، ۷ و ۶



تصاویر: gettyimages

### امتداد خودآگاهی؛ از سید جمال تا دانشگاه کلمبیا

واسطه چهل خود به علت پدیده‌ها آنها را به پدیده‌ای خارجی به نام خدا نسبت می‌دهد و اینگونه از وجود آن آرامش کسب می‌کرده است. با گذار از عهد دین عمیق و ژرفی است که لایه‌های تفسیری مختلفی پیرامون آن می‌توان ارائه کرد. یکی از لایه‌های مذکور بررسی این رخدادها در جریان رشد آگاهی جهانی است. حقیقت آن است که امروز نزدیک به ۳ قرن از آشنایی جدی بشر با پدیده‌ای به نام استعمار می‌گذرد. این پدیده به نوعی مولود مدرنیته و تحولاتی است که طی دوره رنسانس و عصر صنعتی شدن در اروپا به وجود آمد. در ذات معرفت غربی همواره نوعی ادعای خودبرترانگاری نسبت به دیگر تمدن‌ها وجود دارد. همانگونه که «اگوست کنت» در طرح تاریخی خود مطرح می‌کند، بشر ۳ دوره مختلف را در طول حیات اجتماعی خود پشت سر گذاشته است. نخستین دوره عهد اساطیر، دین یا همان برهه طفولیت است. در این برهه انسان به

معرفی می‌کنند، فولدنی در کتاب «داستافسکی در سبیری از هگل می‌خواند و می‌گوید» نکته جالبی را متذکر می‌شود. داستافسکی به عنوان یک مبارز انقلابی علیه دولت تزار روسیه تحت تأثیر آگاهی مدرن به سبیری تبعید می‌شود. در آنجا پس از مطالعه آثار هگل نکته جالبی را متوجه می‌شود؛ هگل از جوامع غیر غربی حتی روسیه با تحقیر یاد کرده و از جریان آگاهی تاریخی به دور می‌داند. این موضوع نه فقط در زبان اندیشمندان، بلکه به زبان سیاست نیز درآمده است. جایی که جوزپ بولر، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی می‌گوید: «اروپا مانند باغ می‌ماند و باقی کشورهای دنیا مانند جنگل است و جنگلی‌های وحشی به باغ‌های زیبا حمله می‌کنند». در اظهار نظر شفقتی رئیس‌جمهور بیمار آمریکا جوبایدن مدعی شده بود «بقیه کشورهای جهان وصله شلوار ما نیز نیستند». خلاصه این نگاه تحقیرآمیز سیستمی به ضمیمه توانایی‌های فنی ناشی از انقلاب صنعتی این رسالت را بر دوش دولت‌های اروپایی قرار می‌دهد که باید

## فلسطین سرانجام جهان را آزاد خواهد کرد

# موج آگاهی

اعتراضات دانشجویی سراسر آمریکا را فراگرفته و حتی به برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپایی نیز تعمیم یافته است. آنچه در این اعتراضات تبلور دارد، خشم و غیرت تمام‌عیاری است که در دفاع از کودکان مظلوم فلسطینی نضج یافته و آپار تاید امنیتی و علمی حاکم بر غرب را در مقابل دیده افکار عمومی دنیا به چالش کشیده است. با این حال اعتراضات دانشجویی گسترده در غرب علیه موجودیت و جنایات رژیم اشغالگر صهیونیست و حامیان آمریکایی - اروپایی تل‌آویو، یک پیام مشخص دیگر دارد و آن پایان تاریخ مصرف ساختار حقوقی حاکم بر غرب است.

واقعیت امر این است که مطابق نهادگرایی غربی، ساختارهای نظام یافته حقوقی در آمریکا و اروپا خدشه‌ناپذیر، مستقل و صاحب اختیار مطلق شهروندان محسوب می‌شوند. بر همین اساس هیچ‌کس حق ندارد گزندش کار یک پرونده حقوقی، رفتار یک قاضی یا حتی روند صدور یک حکم ناعادلانه را در غرب زیر سوال ببرد، زیرا این ساختار (بنا بر قرأت بازیگران غربی) محق است هرگونه بخواهد قانون را تفسیر کند و دیگران نیز باید این تفسیر را به صورت ذاتی و بدون چون و چرا بپذیرند. کارگردان این نهادگرایی حقوقی افراتی امیز، کانون‌های پنهان قدرت در غرب هستند؛ نهادهایی که هر گاه مطامع سیاسی آنها مورد پذیرش و اقبال جوامع غربی قرار نمی‌گیرد، بلافاصله به آن رنگ و بوی حقوقی می‌دهند و متعاقباً، مخالفت با آن را مترادف با مخالفت با قانون تلقی می‌کنند. پس از گذار بشریت به هزاره سوم، صهیونیست‌ستیزی تبدیل به پررنگ‌ترین خط قرمز امنیتی در آمریکا و اتحادیه اروپایی شد. کار به جایی رسید که توهین به برخی سران اروپایی مجاز و انتقاد از ماهیت صهیونیسم جرم شمرده شد! این آپار تاید حقوقی توسط نهادهای حقوقی غرب تئوریزه و اجرایی شد و هر فرد یا گروهی که آن را مورد انتقاد قرار می‌داد، مشمول سخت‌ترین جرایم و محدودیت‌ها می‌شد.

با وقوع جنگ غزه، نهادهای امنیتی و حقوقی غرب (این بار به صورتی کاملاً آشکار و در همبوشانی اعلامی مطلق با یکدیگر) هرگونه انتقاد از نسل‌کشی کودکان غزه و جنایات تمام‌عیار رژیم اشغالگر قدس در قبال فلسطینیان را مصداق «یهودستیزی» (!) قلمداد کرده و جرم‌انگاری آن را در دستور کار قرار دادند. در ۷ ماه اخیر بسیاری از کارمندان، دانشجویان و حتی برخی سیاستمداران غربی صرفاً به علت انتقاد از توحش صهیونیست‌ها در جنگ غزه، شغل خود را از دست داده و در انتظار محاکمه نهایی خود در بی‌دادگاه‌های آمریکا و اروپا هستند.

در تحلیل فرامتنی خیزش غیرتمندانه دانشجویان آمریکایی و اروپایی در دفاع از فلسطینیان، ساختار حقوقی غرب و خروجی‌های غیرمنطقی آن نیز به صورت مستقیم هدف قرار گرفته و منهدم شده است. پیام آشکار دانشجویان آمریکایی و اروپایی به ساختار حقوقی غرب مشخص است: ادغام این ساختار ظاهراً مستقل با لایه‌های کثیف قدرت در غرب جایی برای پذیرش بی‌طرفی و عظمت ادعایی آن برای شهروندان آمریکایی - اروپایی و افکار عمومی دنیا باقی نگذاشته است. ساختاری که خروجی آن، مترادف‌انگاری صهیونیست‌ستیزی با یهودستیزی و جرم‌انگاری آن باشد، قطعاً نه ارزش ذاتی دارد و نه اکتسابی! نکته مهم‌تر اینکه نسل جوان آمریکا و اروپا (به‌طور مشخص جوانان نسل «زد» که بین ۱۸ تا ۲۴ سال سن دارند) نه تنها در برهه حساس کنونی این روایتگری حقوقی دروغین و بی‌بنیان را پس زده‌اند، بلکه متعاقباً در آینده نیز علیه بسیاری از گزاره‌ها، پیش‌فرض‌ها و احکام ادعایی بی‌دادگاه‌های غرب به‌قد علم خواهند کرد. نهادگرایی سیاسی در آمریکا و اروپا مدت‌هاست به پایان رسیده و از سوی شهروندان این کشورها به چالش کشیده شده است اما نهادگرایی حقوقی در غرب، تا قبل از جنگ غزه تبدیل به یکی از خمیرمایه‌ها و محورهای حکمرانی در این کشورها شده بود. با این حال آگاهی عمومی شهروندان بویژه جوانان و دانشجویان غربی نسبت به آنچه در ماورای این نهادسازی تصنعی می‌گذرد، جایی برای استعمار حیات مسموم آن باقی نگذاشته است. اینک قرانت و تفسیر نهادهای حقوقی غرب (در قبال موضوع جنگ غزه و حتی سایر موضوعات اجتماعی و بین‌المللی)، کمترین ارزشی برای جوانان به‌پاخاسته این کشورها نخواهد داشت.

یادداشت روز

### آپار تاید علمی [نوید مؤمن]

اعتراضات دانشجویی سراسر آمریکا را فراگرفته و حتی به برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپایی نیز تعمیم یافته است. آنچه در این اعتراضات تبلور دارد، خشم و غیرت تمام‌عیاری است که در دفاع از کودکان مظلوم فلسطینی نضج یافته و آپار تاید امنیتی و علمی حاکم بر غرب را در مقابل دیده افکار عمومی دنیا به چالش کشیده است. با این حال اعتراضات دانشجویی گسترده در غرب علیه موجودیت و جنایات رژیم اشغالگر صهیونیست و حامیان آمریکایی - اروپایی تل‌آویو، یک پیام مشخص دیگر دارد و آن پایان تاریخ مصرف ساختار حقوقی حاکم بر غرب است.

واقعیت امر این است که مطابق نهادگرایی غربی، ساختارهای نظام یافته حقوقی در آمریکا و اروپا خدشه‌ناپذیر، مستقل و صاحب اختیار مطلق شهروندان محسوب می‌شوند. بر همین اساس هیچ‌کس حق ندارد گزندش کار یک پرونده حقوقی، رفتار یک قاضی یا حتی روند صدور یک حکم ناعادلانه را در غرب زیر سوال ببرد، زیرا این ساختار (بنا بر قرأت بازیگران غربی) محق است هرگونه بخواهد قانون را تفسیر کند و دیگران نیز باید این تفسیر را به صورت ذاتی و بدون چون و چرا بپذیرند. کارگردان این نهادگرایی حقوقی افراتی امیز، کانون‌های پنهان قدرت در غرب هستند؛ نهادهایی که هر گاه مطامع سیاسی آنها مورد پذیرش و اقبال جوامع غربی قرار نمی‌گیرد، بلافاصله به آن رنگ و بوی حقوقی می‌دهند و متعاقباً، مخالفت با آن را مترادف با مخالفت با قانون تلقی می‌کنند. پس از گذار بشریت به هزاره سوم، صهیونیست‌ستیزی تبدیل به پررنگ‌ترین خط قرمز امنیتی در آمریکا و اتحادیه اروپایی شد. کار به جایی رسید که توهین به برخی سران اروپایی مجاز و انتقاد از ماهیت صهیونیسم جرم شمرده شد! این آپار تاید حقوقی توسط نهادهای حقوقی غرب تئوریزه و اجرایی شد و هر فرد یا گروهی که آن را مورد انتقاد قرار می‌داد، مشمول سخت‌ترین جرایم و محدودیت‌ها می‌شد.

با وقوع جنگ غزه، نهادهای امنیتی و حقوقی غرب (این بار به صورتی کاملاً آشکار و در همبوشانی اعلامی مطلق با یکدیگر) هرگونه انتقاد از نسل‌کشی کودکان غزه و جنایات تمام‌عیار رژیم اشغالگر قدس در قبال فلسطینیان را مصداق «یهودستیزی» (!) قلمداد کرده و جرم‌انگاری آن را در دستور کار قرار دادند. در ۷ ماه اخیر بسیاری از کارمندان، دانشجویان و حتی برخی سیاستمداران غربی صرفاً به علت انتقاد از توحش صهیونیست‌ها در جنگ غزه، شغل خود را از دست داده و در انتظار محاکمه نهایی خود در بی‌دادگاه‌های آمریکا و اروپا هستند.

در تحلیل فرامتنی خیزش غیرتمندانه دانشجویان آمریکایی و اروپایی در دفاع از فلسطینیان، ساختار حقوقی غرب و خروجی‌های غیرمنطقی آن نیز به صورت مستقیم هدف قرار گرفته و منهدم شده است. پیام آشکار دانشجویان آمریکایی و اروپایی به ساختار حقوقی غرب مشخص است: ادغام این ساختار ظاهراً مستقل با لایه‌های کثیف قدرت در غرب جایی برای پذیرش بی‌طرفی و عظمت ادعایی آن برای شهروندان آمریکایی - اروپایی و افکار عمومی دنیا باقی نگذاشته است. ساختاری که خروجی آن، مترادف‌انگاری صهیونیست‌ستیزی با یهودستیزی و جرم‌انگاری آن باشد، قطعاً نه ارزش ذاتی دارد و نه اکتسابی! نکته مهم‌تر اینکه نسل جوان آمریکا و اروپا (به‌طور مشخص جوانان نسل «زد» که بین ۱۸ تا ۲۴ سال سن دارند) نه تنها در برهه حساس کنونی این روایتگری حقوقی دروغین و بی‌بنیان را پس زده‌اند، بلکه متعاقباً در آینده نیز علیه بسیاری از گزاره‌ها، پیش‌فرض‌ها و احکام ادعایی بی‌دادگاه‌های غرب به‌قد علم خواهند کرد. نهادگرایی سیاسی در آمریکا و اروپا مدت‌هاست به پایان رسیده و از سوی شهروندان این کشورها به چالش کشیده شده است اما نهادگرایی حقوقی در غرب، تا قبل از جنگ غزه تبدیل به یکی از خمیرمایه‌ها و محورهای حکمرانی در این کشورها شده بود. با این حال آگاهی عمومی شهروندان بویژه جوانان و دانشجویان غربی نسبت به آنچه در ماورای این نهادسازی تصنعی می‌گذرد، جایی برای استعمار حیات مسموم آن باقی نگذاشته است. اینک قرانت و تفسیر نهادهای حقوقی غرب (در قبال موضوع جنگ غزه و حتی سایر موضوعات اجتماعی و بین‌المللی)، کمترین ارزشی برای جوانان به‌پاخاسته این کشورها نخواهد داشت.

پیامک خوانندگان  
۱۰۰۰۲۳۳۱